مناظره شب و روز (علم زمین شناسی)

امّا قوانین جنایات آنها-مجازات بقتل معمول است و مقصّر را آویخته و تیر باران میکنند.مجازات درجهء دوّم حبس است.وقتیکه‏ پادشاه تازه بتخت می‏نشیند محبوسین را آزاد میکند.تقصیرات خفیف‏ بواسطهء بریدن دماغ یا پای مقصّر،تراشیدن سر یا تراشیدن نصف سر یا بواسطهء تشهیر کردن بواسطهء یک تخته در دور گردنش و راهزنی‏ بواسطهء حبس ابدی مجازات میشوند.زنای محصنه با زن یکی از نجبا مجازاتش تبعید زانی و بریدن گوشها و دماغ زانیه است.

مالیّات اراضی بشکل یک بده نقدی گرفته میشود که از روی تخمین‏ و ممیّزی قطعه‏ای که مالیّات دهنده مالک آنست ادا میشود.مردم خدای‏ آتش و خدای آسمان‏1را پرستش میکنند.شیوهء خطّ آنها با مال«هو»ها (تاتارها)مختلف است.خواهر خود را بزنی گرفتن خواه عقد و خواه‏ جاریه‏2در میان آنها زیاد است و سایر وصلتهای ازدواجی هم عقد میشود بدون مراعات رتبه و مقام.در این خصوص آنها قطعا ننگین‏ترین‏ و کثیف‏ترین همهء ملل خارجه هستند.اگر در میان مردم یک دختری‏ باشد که بالاتر از ده سال داشته و قشنگی مخصوص داشته باشد شاه او را در حرمخانهء خود میبرد تا او را تربیت و بزرگ کرده آنگاه در مقام‏ التفات و بخشش بیک کسی که خدمت کرده و مستحقّ لطف شده بدهد. جسد مرده‏ها عموما بیرون گذاشته میشود(تحت اللّفظ«گذاشته میشود») روی تپّه‏ها.تا یکماه لباس ماتم میپوشند.

تنها رهبانان که خارج از شهرها زندگانی میکنند ترتیب دفن اموات را بلدند و این جمع را در ایران«مردم نجس»میگویند اگر یکی از اینها بشهر یا یک میدان و بازار عمومی بیاید باید زنگوله حرکت بدهد تا خود را از مردم دیگر تمیز دهد3.

در این مملکت روز اوّل سال نو در ماه ششم است(ژویّهء فرنگی). بزرگترین اعیاد آنها روز هفتم ماه هفتم است و روز اوّل ماه دوازدهم‏4. در این روزها(یا در آن روز)عامّهء مردم بحکم شاه بیک ضیافت‏ عمومی دعوت میشوند که آنجا موسیقی مینوازند و همه باهم شادمانی و خوشگذرانی میکنند.بعلاوه در روز دوازدهم ماه اوّل هرکسی قربانی‏ بارواح اسلاف خود میآورد.

در عهد شون کوی‏5این مملکت بدربار چین یک سفیر فرستاد که‏ پیغامی و باجی آورد.پیام چنین بود:

(1)مقصود«میترا»است.

(2) Concubine

(3)رهبانی که کارشان تجهیز و تدفین اموات است موسوم به«نساسالار»میباشند برای تفصیل کار آنها و فرقشان از سایر مردم بکتاب جکسن«ایران قدیم و حالیّه» رجوع کنید.

(4)گمان میکنم اوّلی نوروز و دومی مهرجان است(مترجم ایرانی).

(5)شون کوی (shoūn kui) اسمی است که بعهد سلطنت«مینگ تی»داده شده. او پادشاه از خاندان وی شمالی بود و سلطنت نصف شمالی چین از سنهء 516 تا 528 میلادی با او بود.

«ای«پسر آسمان»شاهنشاهی بزرگ،آنکه او را آسمان زائیده است‏ آرزومندم که در آن نقاط که آفتاب طلوع میکند شما همیشه(سلطنت کنید) پسر آسمان در میان«هان».کوهوتو1پادشاه پوسی با ملیونها کرنش‏ و نیاز محترمانه این هدایا را بدربار شما تقدیم میکند.»

از آن زمان باین طرف هیئت فرستادگان برای آوردن باج هر ساله‏ فرستاده میشود.

مناظرهء شب و روز علم زمین‏شناسی

غربی:

عمر دنیا

علم وصف الأرض از روی طبقات سنگهای مختلف و متمایز که روی هم سوار شده و کوهها را تشکیل داده‏اند مدتّهای‏ مدید است که ثابت نموده که کرهء زمین خیلی قدیمی است‏ و از روی خواصّ و صفات مختلفهء این طبقات سنگی که مثل ورقهای پیاز روی یکدیگر سوارند و از روی چگونگی و کلفتی و نازکی طبقات مذکور علمای‏ فّن برای هر طبقه‏ای یک دوره‏ای از زمان معیّن نموده‏اند که در ظرف‏ آن دوره طبقهء مذکور از حالت اوّل خود که گل و لای و شن و لجن بوده‏ بحالت حجری در آمده و سنگ شده است.امروز دوره‏های مزبور را به 12 تا 15 قسمت نموده‏اند و هر عدّه از این دوره‏ها را هم بیک عهد و زمانی نسبت میدهند مثلا میگویند که دورهء اوّل و دوّم و سوّم در عهد اوّل و دورهء چهارم و پنجم و ششم و هفتم در عهد دوّم واقع شده و هکذا هرچند دوره‏ای را در یک عهد معینّی قرار میدهند و عدّهء این عهدها را باختلاف بعضی از علما چهار و اغلب پنج نوشته‏اند.و برای اینکه این‏ مسئله بهتر مفهوم و روشن گردد باید عمر انسانی را در خاطر آورد که مثلا عمر یک انسان 70 ساله را که هفتاد دوره اختلاف فصول را دیده میتوان‏ بچهار عهد منقسم نمود:عهد طفولیّت،عهد جوانی،عهد برنائی،عهد پیری و معلوم است که بهر یک از این عهود چهارگانه یک عدّه سال‏ قرار میگیرد و همین حکم را هم زندگانی زمین دارد.علمای فنّ مزبور امروز طول اقلّ عمر زمین را بطور یقین تخمینا صد ملیون سال و طول‏ اکثر آنرا خیلی بیشتر و بعضیها تا هفتصد و هشتصد ملیون سال معیّن نموده‏اند و برای آنکه طول مدّت هر عهدی نسبت بعهدهای دیگر بهتر محسوس‏ گردد علمای مذکور این صد ملیون سال را که طول اقلّ عمر زمین است‏ یک شبانه‏روز یعنی 24 ساعت گرفته و از روی آن هر عهدی را با ساعت‏ و دقیقه معیّن نموده‏اند از قرار ذیل:

(1)کوهوتو در لهجهء کانتونی«کوووتو»یعنی«گواذ»یا«قباد»اوّل‏ (488-531 میلادی)است.

اسم عهد طول تخمینی طول بمقیاس ساعت و دقیقه‏ 1-عهد ابتدائی(تخمینا 52 ملیون سال)12 ساعت 30 دقیقه‏ این عهد ابتدای ظهور موجودات جاندار است که تماما در آب میزیسته‏اند. هنوز حیوانات فقرات دار بوجود نیامده بوده است.

2-عهد اوّل(تخمینا 34 ملیون است)8 ساعت 5 دقیقه‏ در این عهد حیوانات فقرات‏دار بی‏تنفّس ریوی از قبیل ماهی و بعد حیوانات با تنفّس ریوی و حتّی حیوانات خاکی و دست و پا دار از قبیل‏ قرباغه و بعد حشرات ساده ظهور کردند ولی باز حشرات و خزنده‏های‏ کامل و طیور و حیوانات پستان‏دار بوجود نیامده بودند.

3-عهد دوّم(تخمینا 11 ملیون سال)2 ساعت 38 دقیقه‏ در این عهد حشرات و خزنده‏های کامل و مختلف و پرندگان و اوّلین‏ حیوانات پستان‏دار ظهور نمودند.

4-عهد سوّم(تخمینا 3 ملیون سال)43 دقیقه‏ در این عهد حیوانات پستان‏دار تکامل یافتند و باحتمال قوی شعبه‏ای‏ از میمونها ظهور یافتند که اوّلین نمونهء نوع کامل را باید در انها دید.

5-عهد چهارم(تخمینا 000‘200 تا 000‘500 سال)0 2 دقیقه‏ در این عهد نوع انسانی تکامل یافته و در تمام روی زمین منتشر گردید و نفوذ وی تأثیرات بزرگی در سایر موجودات یعنی گیاه و حیوانات بخشید. این عهد را(که بعقیدهء عموم علمای وصف الارض طول آن کمتر از صد هزار سال نیست)بدو قسمت مینمایند:عهد طوفان و عهد پس از طوفان که موسوم‏ است بعهد فرونشینی و رسوب.

ظهور و وجود حیوانات نباتی در عهد ابتدائی و حیوانات کاملة الاعضاء و انسان در عهدهای متعاقب عموما از روی آثار و استخوانها و آنچه بزبانهای فرنگی«فسیل»مینامند معلوم شده و«فسیل»عبارت‏ است از اینکه بمناسبت طوفان یا سیل یا رسوب و ته‏نشینی خاک و شن‏ و یا بمناسبات دیگر گیاه یا حیوانی در میان مرسوبات گیر مینماید و همانجا میماند و بعدها بمرور زمان وقتیکه مرسوبات سنگ میشود اثر آن‏ گیاه یا حیوان در آن سنگ میماند و اکنون خیلی از این«فسیلها»در دست است و اغلب حیوانات غریب و عجیب و عظیم الجثّه‏ای دیده میشود که در اعصار قدیمه وجود داشته‏اند و امروز دیگر جنس آنها بکلّی‏ مفقود و نابود شده است.

تحقیقات فوق از معتبرترین و مآخذ حاوی تحقیقات اخیرهء علمای‏ بزرگ مانند ارنست هکل‏1و یوهانس والتر2استخراج شد

فرنگی مآب

شرقی:

مقدار زمان!

«گفتار در اینکه مقدار تمام زمان از اوّل آن تا آخر آن و از ابتدای‏ آن تا انتهای آن چقدر است:گذشتگان از اهل علم(!)در این‏ باب اختلاف کرده‏اند.پس بعضی گفته‏اند که مقدار همهء آن هفت‏ هزار سال است و بعضی دیگر گفته مقدار همهء آن شش هزار سال است‏ و روایت کرد بمن ابو هشام‏[از فلان و او از فلان بسلسلهء سندی که‏ در اصل کتاب ثبت است‏]که گفت کعب الأحبار گفت که دنیا شش‏ (1) E.Haeckel

(2) J.Walther

هزار سال است و همچنین روایت کرد بمن عبد الصّمد بن معقل که ا؟؟؟ از وهب بن منبه شنید که میگوید که از دنیا پنج هزار و شش صد سال‏ گذشته و من هر زمان از آنرا با سلاطین و انبیاء که در آن بوده‏اند میشناسم.گفتیم بوهب که دنیا چقدر است گفت شش هزار سال»

[نقل از تاریخ طبری،سلسلهء 1،جلد 01 صفحهء 8]

این احادیث شریفه از فحول علما مثل کعب الأحبار و وهب بن منیه تمام مزخرفات‏ کفّار جدید را باطل و هباء منثورا میکند.واقعا لاطائلات این اهالی افرنج یضحک‏ الثّکلی است.بعضیها عمر آفتاب را کرورها سال مینویسند،برخی عمر زمین را کذلک‏ و آنرا منقسم بدورهای مختلفه میکنند مانند دورهء یخ و آب و غیره سبحان اللّه و لا حول و لا قوّة الاّ باللّه که انسان از خنده نمیتواند خودداری کند.بقول خودشان‏ علمی(!)اختراع کرده‏اند که آنرا«جیولوجیا»مینامند که مثل اساطیر الأوّلین است‏ و هرکس را بخنده در میآورد.در باغ وحش برلین در مقابل در دخول شکل یک‏ حیوان خیالی را از سنگ ساخته‏اند و زیرش نوشته‏اند این حیوان تقریبا بیست ملیون‏ سال قبل از این میزیسته است و من وقتی که از سفر حجّ با آخوند ملاّ عبد العظیم‏ بواسطهء انسداد طرق مجبورا بآن بلدهء کفر نزول نمودیم و این مجسّمهء مضحک با این‏ شرح و وصف را خواندیم باندازه‏ای از عقول سادهء این فرنگیها خندیدیم که آخوند ملاّ عبد العظیم مجبور بتجدید طهارت گردید.اللّه اللّه ازین ساده لوحی!فالحمدللّه‏ الّذی نوّر عقولنا ببرگة الأسلام و شکراله!

جامع المعقول و المنقول.

معرفت ادیان و اقوام

غربی:

جلای وطن‏ دین بودائی‏1

دین بودائی که از جانب بوذا مؤسّس آن در قریب پانصد سال پیش از میلاد مسح وضع شده بقدر کافی معروف‏ است و علاو بر اینکه امروز یکی از بزرگترین ادیان‏ دنیا و دارای قریب 350 ملیون پیروان است تحقیق و تتبعّ تاریخ و گذارش آن هم بسیار هوس‏انگیز است مخصوصا که با تاریخ قدیم ما هم‏ علاقهء زیادی دارد و در باختر و زابلستان و خوارزم و بخارا خیلی‏ منتشر بوده است.لفظ«بت»در فارسی هم از کلمهء«بودا»بعمل آمده. از غرابت تاریخ این دین هجرت آن کیش است از محلّ ظهور خود بطوری که‏ امروزه تقریبا در وطن اصلی خود یعنی هندوستان پیروان او در حکم‏ معدوم است چه بموجب احصائیّهء اخیر رسمی سنهء 1329 در تمام هند فقط 336874 نفر بودائی هست که در مقام قیاس بجمعیّت هند (931،323،313 نفر)خیلی کم و در حکم عدم است.در این باب‏ دین بودائی قدری شباهت بدین قدیم ایران دارد که امروزه قسمت‏ بزرگی از آن عدّهء کمی هم که از پیروان آن کیش یزدانی که مهد ظهور و تخت عظمتش در«ایران پاک»بوده باقی است از تعصّب و ظلم برادران‏ نژادی خود جلای وطن کرده و بهندوستان پناه برده‏اند تا مانند سایر همکیشان بدبخت خود که در وطن اصلی مانده‏اند علاوه بر تحمّل جور و آزار تحمّل ناپذیر دائمی در هرچند سالی یکبار معروض قتل عامّ و تاراج‏ و اسباب شهرت و مرید بازی بعضی آخوندهای تازه فارغ التّحصیل نگردند. (1)قسمت مهمّی از این قطعهء مقاله از تحقیقات جناب شومروس- (von H.W.Scho meruss) در روزنامهء«شرق جدید»آلمانی مأخوذ است.